

علیرضا ولی پور

استادیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران

چکیده

قرآن صورتی دارد که در ورای آن، معنی و مقصدی دیگر نهفته است، طبیعی است که اساس و اهم هر کلام، مفهوم و مقصد آن است. مضامین و معانی قرآن بسیار متعدد، متنوع و سرشار از مفاهیم عمیق معنوی است، به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد در تاریخ بشریت، سابقه و همانندی ندارد، اطلاع از چگونگی ترجمه‌های آن و نقد و نظرها در مورد کیفیت آن‌ها، یکی از اقدامات لازم در این زمینه است. امروزه توجه به ترجمه‌های قرآن به زبان روسی و کنجکاوی به چگونگی انجام آن، مورد توجه محافل فرهنگی و ادبی است. در بین ترجمه‌های معاصر قرآن، می‌بایست به ترجمه‌های انجام شده توسط **ایگنانی کراچکوفسکی**، **نوری عثمانف** و **والریا پوراخووا** توجه نمود. تلاش ما در این مقاله که بر گرفته از طرح پژوهشی در باره ترجمه قرآن به زبان روسی بوده است، مقایسه ترجمه‌های معاصر قرآن مجید در زبان روسی، با متن قرآن است، امیدواریم با انجام این پژوهش و بیان آن تا حدی وضعیت موجود در ارتباط با ترجمه‌های قرآن برای علاقه‌مندان به پژوهش‌های قرآنی در امور مربوط به ترجمه، مشخص گردد. **واژه‌های کلیدی:** جزء ۳۰ قرآن، زبان روسی، مترجمان قرآن، متون اسلامی.

مقدمه

قرآن دارای ویژگی‌هایی است که اگر آن ویژگی‌ها در عرضه قرآن به دیگران، مورد توجه واقع شود، نتایج مثبت فراوانی را در بر خواهد داشت. از ویژگی‌های مهم آن، جامعیت و جهان‌شمول بودن است که برای طبقه و نسل خاصی نازل نشده، بلکه برای تمامی آحاد بشر در طول تاریخ فرود آمده است. به همین جهت، باید این مفاهیم آن - چنان که باید و شاید - به مردم جهان عرضه شود. البته قرآن چون به زبان عربی نازل شده، طبیعی است که تنها عرب‌زبانان می‌توانند با محتوای آن آشنایی پیدا کنند، اما کسانی که به زبان دیگر سخن می‌گویند، باید از رهگذر ترجمه با محتوای قرآن آشنا شوند، عده‌ای از صاحب‌نظران در امور ترجمه، معتقدند که ترجمه قرآن روح معنوی قرآن را نمی‌تواند کاملاً^۱ به زبان دیگر منتقل کند و تنها لایه‌ها و یا نشانه‌هایی از مفاهیم آن انتقال داده می‌شود.

باید اعتراف کرد، که هیچ ترجمه‌ای نتوانسته است مفاهیم بلند این کتاب آسمانی را به طور کامل منعکس کند، با اعتراف به این حقیقت، باز هم معتقدیم که ترجمه قرآن یک امر ضروری است، چرا که قرآن وسیله هدایت همه مردم است و با تعبیر «هدی للناس»، خود را معرفی کرده و در بسیاری از آیات آن، خطاب «یا ایها الناس» آمده است، بنابراین ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی اجتناب‌ناپذیر است، اما کسانی که در کار ترجمه قرآن‌اند، باید بر هر دو زبان مسلط باشند، یعنی هم به زبان عربی که زبان مبدا است آگاهی کامل داشته باشند و هم از زبان مقصد که مورد نظر مترجم است. متأسفانه دیده می‌شود که برخی مترجمان قرآن در زبان روسی، آن را از زبان انگلیسی یا فرانسوی به زبان روسی ترجمه کرده‌اند. در چنین حالتی واضح است، بسیاری از ویژگی‌های آیات در ترجمه منعکس نخواهد شد، یکی از کاستی‌های مهم ترجمه این است که مترجم قدرت نداشته باشد قرآن را از عربی به زبان مورد نظرش ترجمه کند موضوع مهم دیگری که کار ترجمه قرآن را دشوار می‌سازد، موضوع ارتباط تاریخی و زمانی سوره‌های قرآن است. می‌دانیم که ترتیب سوره‌ها در قرآن از بزرگ به کوچک تنظیم شده و این باعث به هم خوردن ترتیب تاریخی آیات شده است. اینگنانی کراچکوفسکی به شاگردان خود توصیه می‌کرد حتماً^۱ در هنگام ترجمه و تدبر در قرآن، به سیر و تسلسل درست زمانی توجه کنند، تا این نکته به ترجمه درست کمک نماید (کراچکوفسکی^۱ ۱۹۹۱، مقدمه ترجمه قرآن، ص ۸).

بحث و بررسی

اولین ترجمه قرآن به زبان روسی، در دوره پس از فروپاشی شوروی متعلق به نوری عثمانف دارد، بر خلاف ادعای وی، این ترجمه برتر از ترجمه کراچکوفسکی نیست و اشکالات متعددی بر آن وارد است. ترجمه والریا پوراخووا به علت عدم اطلاع وی از زبان عربی و تلاش وی برای به نظم درآوردن ترجمه آیات، دچار کاستی‌های فراوانی شده است. اینک به برخی اشکالات که در ترجمه‌های موجود از قرآن به زبان روسی وجود دارد اشاره می‌کنیم .

۱ در اولین سوره از جزء سی‌ام، یعنی النبا، در ترجمه کراچکوفسکی بدون هیچ توجیه و مجوزی آخرین آیه از این سوره به دو آیه تقسیم شده است. لازم به تذکر است که کراچکوفسکی با احتساب بسم الله الرحمن الرحیم در سوره حمد، شماره آیات را ابتدا با در نظر گرفتن آن شروع کرده، سپس داخل پرانتز یک شماره کمتر همان آیه را شماره‌گذاری کرده است. توجه شود به شماره آیات در سوره حمد و سوره اخلاص :

(1). Во имя Аллаха милостивого, милосердного!

1(2). Хвала - Аллаху, Господу миров

1(1). Скажи: "Он - Аллах - един,

2(2). Аллах, вечный;

(کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۵)

این موضوع اگر چه به زیبایی متن صدمه زده، اما با درک این مطلب که قصد او ارائه و درج هر دو نوع شماره آیات بوده، قابل توجیه است. اما در جایی که در خود قرآن آیه‌ای با یک شماره ثبت شده و وی آن را به دو آیه تقسیم کرده قابل توجیه نیست. این کار وی ارتباط منطقی داخل جمله را نیز تا حدی از بین برده است.

40 – Мы предостерегли вас близким наказанием.

41- в тот день, когда человек увидит, уготовил его руки, и скажет неверный - О, если бы я был прахом.

(کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۶۳)

در صورتی که فقط با گذاشتن ویرگول به جای نقطه می شد مانع از تقسیم آن به دو آیه شد.

40 – Мы предостерегли вас близким наказанием, в тот день, когда человек увидит, уготовил его руки, и скажет неверный - О, если бы я был прахом.

ü در آیه ۹ از همین سوره و جعلنا نومکم سباتا

پوروخووا ترجمه کرده:

9 - И для покоя ниспослали сон.

(پوروخووا^۲ ۱۹۹۷، ص ۶۳۲)

یعنی، ما شب را برای آرامش شما فرو فرستادیم و عثمانف ترجمه کرده:

- Даровали вам сон для отдохновения.

(عثمانف^۳ ۱۹۹۵، ص ۳۷۹)

یعنی، ما شب برای استراحت کردن به شما هدیه کردیم، اما کراچکوفسکی این چنین ترجمه کرده است:

- И сделали сон ваш отдыхом.

(کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۶۲)

کراچکوفسکی که ترجمه وی بیش از نیم قرن قبل صورت گرفته، آن را ساختن و یا به تعبیری مقرر ساختن ترجمه کرده، یعنی ما شب را مقرر ساختیم برای استراحت شما.

در اینجا اگر به صورت سطحی نگاه شود، شاید تفاوت چندانی در ترجمه‌ها نباشد، اما باید گفت که تفاوت عمیقی وجود دارد، در واقع بسیاری از پدیده‌های موجود که در ذهن ما متضاد آن را تداعی می‌کند، وجود شیء را در ذهن ما اعتباری جلوه می‌دهد، در صورتی که به نظر من، این از معجزات قرآن است که از شب به عنوان یک پدیده مستقل نام می‌برد و در واقع سند محکم و مستدلی است که بر این آیات قرآنی با درک و اندیشه انسانی ساخته و پرداخته نشده است، در آیات دیگری از قرآن وقتی خداوند خود را می‌خواهد معرفی کند، می‌فرماید: هوالذی خلق الموت او کسی است که مرگ را آفرید. یعنی در محضر خدا، فرقی بین آفرینش زندگی و مرگ نیست، اگر زندگی دهلیز، کوچه‌ای و یا جاده‌ای برای حرکت است، مرگ هم پنجره‌ای و یا دری به جهان دیگر. در صورتی که ما احساس می‌کنیم مرگ یعنی نبود زندگی که این ساده اندیشی ذهن ما است، در واقع شب هم اگر چه برای ذهن و درک محدود ما، تصورش بدون روز، مشکل است اما شب هم مثل روز آفریده شده و خودبه خود به وجود نیامده و سایه چیز دیگری نیست. بنابراین دقت کراچکوفسکی در ترجمه آیه ۹ از سوره النبا و درک صحیح وی قابل تحسین است.

ü در سوره نازعات که سوره ۷۹ قرآن است، خداوند در نخستین آیه به نازعات قسم خورده است. نازعات، فرشتگانی اند که جان مردم را می‌گیرند، یا

روح کافران را به شدت قبض می‌کنند، یا ستارگانی اند که از افقی غایب شده و در افق دیگر پیدا می‌شوند. در هر صورت خداوند به فرشتگان، به عنوان واسطه‌هایی در تدبیر امور جهان سوگند یاد کرده و اهمیت نقش آن‌ها را بازگو می‌کند.

پوروخووا آیه اول از این سوره را به این شکل ترجمه کرده است:

1 - В знак тех, кто с силой исторгает.

(پوروخووا^۲ ۱۹۹۷، ص ۶۳۴)

عثمانف ترجمه کرده:

1 – Клянусь ангелами,(души неверных) исторгающими с силой,

(عثمانف ۱۹۹۵، ص ۳۸۰)

و کراچکوفسکی ترجمه کرده است:

1 – Клянусь вырывающими с силой,

(کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۶۲)

با مراجعه به متن قرآن، کاملاً مشخص می شود که، حرف " و " در اول این سوره قسم است، اما، پوروخووا این قسم را ترجمه نکرده است و آن را نشانه ترجمه کرده است، احتمال دارد به واسطه برگردان از ترجمه انگلیسی، دچار این اشتباه شده باشد.

عثمانف جان گرفتن را راجع به کافران دانسته، در صورتی که چنین نیست و خداوند به فرشتگان، به عنوان واسطه‌هایی در تدبیر امور جهان سوگند یاد کرده و اهمیت نقش آن‌ها را بازگو می‌کند. در روایات آمده که هنگام قبض روح پیامبر اسلام (ص)، فرشته مامور این کار در زد، اجازه گرفت و سپس وارد شد و اقدام کرد، واضح است که برای کفار و مشرکین چنین چیزی وجود ندارد. ترجمه کراچکوفسکی از این حیث اشکال ندارد.

U در آیه ۳۸ از سوره النبأ در معنای..... قال صواب

پوروخووا ترجمه کرده:

38-..... и будут праведены их речи.

(پوروخووا ۱۹۹۷، ص ۶۳۳)

عثمانف ترجمه کرده:

38- и скажет он только правду.

(عثمانف ۱۹۹۵، ص ۳۷۸)

و کراچکوفسکی ترجمه کرده است:

38-.....и скажет он только истину.

(کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۶۳)

با شناخت و اطلاع از لغت شناسی تاریخی و با لحاظ ارتباط منطقی آیات با هم، در این آیه، منظور از ضمیر او، حضرت جبرئیل امین است که در آن روز شفاعت خواهد کرد، اما مترجمان ترجمه کرده‌اند: او فقط راست خواهد گفت!! در ترجمه‌ها، معلوم نیست مرجع او کیست حتی پوراخوا از ضمیر جمع استفاده کرده است که قاعدتاً ایجاد ابهام می‌کند، این ایجاد ابهام به خاطر آن است که مهارت لازم در لغت‌شناسی، در مفهوم تاریخی آن، وجود نداشته و ارتباط منطقی آیات درک نگردیده است.

U در سوره عادیات نیز، خداوند در آیه‌های یکم و دوم، به اسب‌ها و اسب‌سواران چابک که از سم اسبان آتش می‌پرد و سحرگاهان بر سر دشمن هجوم می‌آورند، سوگند می‌خورد و برخی نکات تربیتی و انسان‌شناسی و کفران انسان نسبت به نعمت‌ها و مالدوستی شدید انسان، مطرح می‌شود و با اشاره‌ای به رستاخیز و قیامت، پایان می‌گیرد. در برخی از روایات که این سوره درباره حضرت علی(ع) و گروه او که در جنگ به دشمن شیبخون زدند، نازل شده است، زیرا گروه‌های اعزامی سابق ناموفق بودند، اما حضرت علی(ع) و گروه او توانستند با شیبخون ضربه خود را بزنند و شکست سنگینی بر دشمنان اسلام در جنگ «ذات السلاسل» وارد آورند.

پوروخووا آیه اول از این سوره را به این شکل ترجمه کرده است:

1 - Когда в конвульсиях земля забьется.

(پوروخووا ۱۹۹۷، ص ۶۵۶)

عثمانف ترجمه کرده:

1 – Клянусь конями скачущими, задыхаясь,

(عثمانف ۱۹۹۵، ص ۳۹۴)

و کراچکوفسکی ترجمه کرده است:

1 – Клянусь мчащимися, задыхаясь,

(کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۸۱)

با مراجعه به متن قرآن کاملاً مشخص می شود که، حرف " و " در اول این سوره قسم است، اما، پوروخووا این سوگند را ترجمه نکرده است، شاید درک این موضوع برای وی دشوار بوده که قسم خوردن به اسبانی که به نفس نفس افتاده‌اند چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟! او ممکن است درک نکرده باشد، که فی نفسه اشیاء جهان مقدس نیستند، اما با واسطه، سگ اصحاب کهف و اسب امام حسین (ع) از سد تکامل تکوینی گذر می‌کنند و خاک که بی‌ارزش است، چون تربت معصومین و سرمه چشم عاشقان می‌شود. در اینجا نیز قسم به خاطر نفس نفس زدن اسبانی است که سواران آن‌ها مقدسند.

۵ سوره تبت که به ابولهب، و همسر آتش افروز او که از سردمداران مشرکان مخالف پیامبر بودند و آن حضرت را آزار می‌دادند پرداخته شده است. در این سوره چنین نفرین شده که: شکسته باد دستان ابولهب و خودش نابود باد.

در شأن نزول این سوره، مورخان می‌نویسند: روزی پیامبر اسلام اقوام خود را فرا خواند و گفت: اگر من به شما بگویم صبح یا عصر دشمنی به سراغ شما می‌آید باور می‌کنید یا نه، همه گفتند: بلی، فرمود: قبل از رسیدن عذاب سختی به شما اعلام خطر می‌کنم. ابولهب که به خاطر گونه‌های سرخش او را ابولهب می‌نامیدند، گفت: نابود شوی آیا به خاطر این منظور ما را دعوت کرده‌ای این سوره نازل شد: **تبت یدا ابی لهب و تب** . پوروخووا این آیه سوره تبت را به این شکل ترجمه کرده است:

1- Проклятие рукам абу Ляхаба!

И сам он – будь он проклят,

(پوروخووا ۱۹۹۷، ص ۶۶۱)

عثمانف ترجمه کرده:

1 – Да отсохнут руки абу лахаба!

Да сгинет он сам!

(عثمانف ۱۹۹۵، ص ۳۹۸)

و کراچکوفسکی ترجمه کرده است:

1 – Пусть проподут обе руки абу Лахаба,

а сам он пропал!

(کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۸۶)

با مراجعه به متن قرآن مشخص می‌شود که، ترجمه آن، نابود باد دو دست ابی‌لهب، است و این سوره از آینده مجهولی خبر داده، سرانجام این اخبار غیبی حقیقت پیدا کرد و دو دست ابولهب بریده شد. و این از پیشگویی‌های قرآن بوده و نکته کوچکی نبوده، که اصلاً، پوروخووا ترجمه نکند. وی فقط اکتفا کرده به این که نفرین بر ابی‌لهب.

ترجمه عثمانف و ترجمه کراچکوفسکی از این حیث اشکال ندارند.

در این جا با ذکر این مثال‌ها از ترجمه‌های صورت گرفته در زبان روسی متذکر می‌شوم که، تفاوت فرهنگ‌ها در زبان مبدأ با مقصد و نیز عصر پیدایش قرآن با عصر ترجمه، از دیگر مشکلات ترجمه قرآن است. مفاهیم قرآنی ممکن است از نظر فرهنگی ناهمگونی وسیعی با فرهنگ زبان روسی داشته باشند. به همین دلیل ممکن است مترجم در یافتن معادل‌های زبانی دچار مشکل شود. ترجمه صحیح قرآن کریم – نقش مهمی در پیشبرد امور فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و غیره دارد؛ ولی امروزه برخی از علمای اسلامی در روسیه، معتقدند که قرآن کریم وحی الهی است و از نظر لفظ و معنی معجزه محسوب می‌شود. پس چه‌گونه ممکن است وحی الهی به دست بشر ترجمه شود! عدم امکان ترجمه برابر با اصل قرآن کریم، برخی از آنان را بر آن داشته که ترجمه را – به هر شکلی باشد – امری ناپسند تلقی کنند و به مخالفت با آن برخیزند.

اما من بر این باورم، که ترجمه، پل ارتباطی دو فرهنگ و دو زبان مختلف و متفاوت است. این پل را نباید – به این دلیل که شاید دشمنی از آن عبور کند

- ویران کرد: بلکه باید آن را به درستی استحکام بخشید.

اهتمام به عرضه ترجمه‌هایی جدید از قرآن کریم به زبان روسی، پس از فروپاشی شوروی و نیز مقایسه میان تیراژ چاپ ترجمه‌های کنونی با دوره‌های قبل، می‌تواند نشانگر تأثیر نهضت بیداری اسلامی باشد که با انقلاب اسلامی ایران در میان مردم روسیه جان تازه به خود گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را باید آغاز دوره جدید توجه به قرآن کریم در روسیه نیز به شمار آورد. عرضه ترجمه و تفاسیر جدید از قرآن و همچنین تجدید چاپ ترجمه‌های قبلی و توجه به علوم قرآنی، چنان ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است که به هیچ شکلی با دوره شوروی قابل مقایسه نیست.

با این حال در شرایط حساس کنونی می‌بایست به نکاتی در ارتباط با ترجمه قرآن به زبان روسی توجه کرد، مترجمان باید به موضوع تغییر متن برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان، جوانان و بزرگسالان و روشنفکران توجه بیشتری نمایند.

ذکر این نکته ضروری است که در سال‌های اخیر- بنابر مصالحی که وارد جزئیات آن نمی‌شوم- ترجمه‌هایی روسی از قرآن به بازار عرضه شده است، که نشان دهنده توجه بیش از پیش دانشوران به قرآن مجید و علوم و معارف آن در روسیه و کشورهای مشترک المنافع است؛ اما بسیاری نیز از روی شتاب و بی‌تجربگی به چنین امر خطیری دست یازیده‌اند که بر صاحب‌نظران است تا با نقد عالمانه این ترجمه‌ها، راه رسیدن به ترجمه‌های مطلوب، کم غلط و مخاطب‌پسند را هموار سازند. زیرا ضمن احترام به همه مترجمان که قصدشان - ان شاء الله - قرآن پژوهی و تبلیغ احکام قرآنی بوده است، آنچه که در بیشتر آن‌ها مشاهده شد وجود نوعی آشفتگی در ترجمه‌ها است.

سخن ما بر سر شایستگی مترجم نیست، بلکه سخن از حل مشکلاتی است که در پیش روی او است. وقتی می‌شنویم که خانم والریا پوروخووا، مترجمی که صرف و نحو عربی را نمی‌داند، به ترجمه قرآن پرداخته است، حتی اگر شوخی باشد، درد آور است.

تجربه نشان داده است که حتی افراد نابغه‌ای مانند کراچکوفسکی در این کار موفقیت قابل انتظار کسب نکرده‌اند، زیرا ترجمه قرآن به سبب ظرافت‌هایی که دارد، کار یک فرد نیست، بلکه باید به صورت تیمی صورت پذیرد. یک ترجمه خوب، ترجمه‌ای است که افزون بر رعایت دقیق معنا و نکته‌هایی ادبی، از نظر آهنگ و احساس نیز، به گونه‌ای باشد که مخاطب احساس کند متن را به زبان اصلی می‌خواند و خداوند به طور مستقیم با او سخن می‌گوید. همان طور که پیش از این یاد شد، مترجم قرآن باید صرف و نحو، بلاغت، تفسیر، اشتیاق، فقه اللغه عربی و ... را بداند. آیا مترجمان محترم قرآن کریم در زبان روسی این شرایط را داشته‌اند؟

نتیجه‌گیری

بدون تردید، انجام ترجمه‌هایی صحیح از قرآن به زبان روسی کاری مهم است که فرصت وسیعی را می‌طلبد. مترجم قرآن می‌بایست دارای اطلاعات گسترده متعددی باشد، بخصوص در علم صرف و نحو و هم امور نظری ترجمه. وی همچنین باید مطالعات تاریخی داشته و در امور مذهبی و حتی اطلاع از امور دیگر ادیان الهی نیز متبحر باشد. با بررسی‌های انجام شده می‌توان گفت، ترجمه‌ای کامل از قرآن مجید با توقع انعکاس همه دقایق و عمق مفاهیم آن در زبان روسی وجود ندارد. در ترجمه قرآن، حداقل شرایطی لازم است به بی‌توجهی به احراز این شرایط، اشکالاتی را در ترجمه قرآن به زبان روسی به وجود آورده که در برخی موارد، به تحریف ناخواسته آن انجامیده است. به نظر می‌رسد انجام موفق این کار می‌بایست به آینده موکول شود و این مهم با مشارکت و مشورت مترجمان و صاحب‌نظران بهتر از قبل انجام گیرد، تا با همفکری و مشارکت در زمینه مسائل اسلامی و قرآنی و دانش زبانی و زبانشناسی، اعتلای آن تحقق یابد. بهتر است که مترجمان از معلومات استادان صاحب نظر در فنون: صرف، نحو، معانی، بیان، بلاغت، تفسیر، فقه، علوم قرآن، لغت و.. استفاده بیش از پیش نمایند، تا بدین طریق شاهد باشیم، ترجمه‌هایی بدون نقص و کاستی، که نهایت دقت و مراقبت و احتیاط در آن صورت گرفته، در اختیار علاقه‌مندان به معرفت الهی قرار گیرد.

منابع

- ۱- الهی قمشه ای، محی الدین مهدی، ترجمه قرآن به زبان فارسی، انتشارات اسماعیلیان، تهران ۱۳۶۲.
- ۲- انصاری، محمدرضا، نگرشی بر سیر ترجمه قرآن به زبان فارسی، ترجمان وحی، سال اول، شماره ۱.
- ۳- خرمشاهی، بهاء‌الدین ترجمه قرآن کریم (همراه با توضیحات و واژه نامه)، انتشارات جامی. تهران ۱۳۷۸.
- ۴- رامیار، محمود، فهارس القرآن، انتشارات ارشاد، قم ۱۳۴۲.
- ۵- رسولی محلاتی، سید هاشم، کشف المطالب القرآن، انتشارات علمی اسلامی، تهران ۱۳۶۷.
- ۶- صالحی، مجید، فهم یا تفهیم فارسی نویسی در ترجمه کلام وحی، ترجمان وحی، سال اول، شماره ۳.
- ۷- عنایت اله رضا، ایرانشناسی در روسیه و اتحاد شوروی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۱.
- ۸- معزی، محمد کاظم، ترجمه قرآن به زبان فارسی انتشارات جهاد سازندگی، تهران ۱۳۶۸.
- ۹- معرفت، محمد هادی، بحثی درباره ترجمه قرآن مجید و امکان آن، ترجمان وحی، سال اول، شماره ۲.

- 11- Пороховой В. *Коран*. Перевод смыслов и комментарии. Тегеран, 1997.
- 12- Крачковский И.Ю. *Коран*. Пер. с араб. Акад Москва. МНПП «Буква», 1991.
- 13- Османов. Н.О. *Коран*. Пер. с араб и коммент, Москва: Ладомир, 1995.